

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

نهضت ملی ساماندهی اخلاق اجتماعی

تهیه و تنظیم:

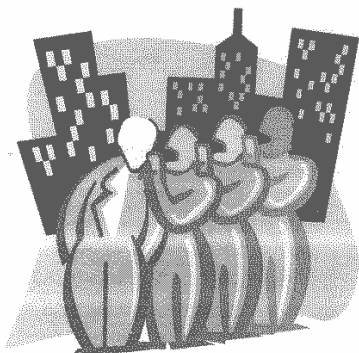
سید مهدی موسوی موشح

تابستان ۱۳۸۲

تیم — به عنوان گروه

امن { بیان فردیت — امن
سرکوب این طرح — امن
بکسین هدف — امن

فرع — هزینه زمانی طرح



نهضت ملی ساماندهی اخلاق اجتماعی

عنوان طرح از آثار فردیت است!

— به عنوان مقدمه:

حتماً برای شما نیز تا به حال رُخ داده است که به علتی، مثلاً جا نرفتن دنده، زمانی کوتاه خودروی شما، شاید کمتر از دو یا سه ثانیه، در خیابان متوقف مانده است و همین زمان کوتاه صبر راننده‌ی پشت‌سری را لبریز ساخته و صدای بوق ممتد خودروی او، که احتمالاً تقویت هم شده است، هم شما و هم سایرین را رنجانده است.

و یا

هنگام رد شدن از چهارراه‌ها و سهراهی‌ها، با افرادی مواجه شده‌اید که حق تقدم شما را به هیچ انگاشته و خودروی خود را بی‌ملاحظه جلوانداخته و راه گرفته‌اند.

و یا

بی‌تردید با اشخاصی برخورد کرده‌اید که هنگام پیاده‌روی، ناگهان با صدای ناهنجاری مترسحات مخاط انتهای حلق خود را جمع کرده و بی‌هیچ توجهی به خلق خدا، بر سطح پیاده‌رو انداخته‌اند.

و یا

ته‌سیگارهای فراوانی را حتماً در گوشه و کنار بیمارستان‌ها، سالن‌های اجتماعات و مراکز عمومی مشاهده کرده‌اید، ته‌سیگارهایی که فاصله‌شان تا سطل زباله، بر اساس مقیاس مرسوم در عصری نه خیلی گذشته، شاید کمتر از یک یا دو وَجَب باشد!

و یا

جایی بوده‌اید بسیار کوچک، با فضایی کاملاً بسته، به خاطر سرما یا گرما یا هر علت دیگری، پنجره‌ای باز نیست، شاید یک در مانگه باشد یا فضای داخل یک اتوبوس و یا حتی یک اتاق انتظار، زن و کودک نشسته‌اند، شما هم نشسته‌اید، که می‌بینید یک انسان کاملاً وارسته از هر خوی و خصلت و آدابی (!)، سیگاری بیرون می‌آورد و آتش می‌زند و دود می‌کند، شاید زَر یا اُشنو باشد، بسیار تلخ، و همه را آزار می‌دهد، پیرمردی است و دیگران ملاحظه‌ی سنش را می‌کنند!

و یا

می‌خواهید در اداره‌ای کاری را به انجام رسانید و کارمند بسیار بد برخورد می‌کند، فریاد می‌کشد، به راحتی عصبانی می‌شود و گویا اخلاق خوبی ندارد...

این رفتارها چه علتی دارد،

چه تعزیفی می‌توان از آن‌ها داد

و

چگونه می‌توان آن‌ها را اصلاح کرد؟!



— بیان ضرورت:

ما در «جامعه» زندگی می‌کنیم، انسان‌ها سالیان سال است، قرن‌هاست که در جامعه زندگی می‌کنند، انسان‌ها در کنار هم و با هم زندگی می‌کنند. اما این با هم بودن مانند با هم زندگی کردن مورچگان یا موریان‌ها، زنبورها یا حتی گرگ‌ها (!) نیست. مانند هم‌زیستی میمون‌ها هم نیست، یا هیچ حیوان دیگری!

در اجتماعات بهائم و حیوانات، آنچه رکن ارتباط و عنصر هماهنگ‌کننده و علت ایجادکننده‌ی جامعه است «غریزه» است، خوی و خصلتی حیوانی و مرام و مسلکی بهیمی که او را شاید بی‌هیچ اندیشه‌ای در راهی می‌برد که برای او ترسیم شده است از پیش، برای او و همه‌ی هم‌نوعان او، مورچه‌ها شاید خود ندانند چرا چنین می‌کنند!

اما انسان چطور؟! آیا او نیز حیوانی است که ترنسفورمیزم قبایی دیگر برای او دوخته است و ظاهری دیگر برای او آراسته؟! آیا او نیز به فشار غریزه و یا مؤدبانه‌تر با نیروی فطرت است که به اجتماع تن در می‌دهد و بی‌قیدی و ترس تنهایی را به ملاحظات و قیوداتی سخت ولی در پناه آرامش اجتماعی می‌فروشد!

«اختیار»

در انسان آن محوری است که سایر خوی‌ها و رفتارها را به دور خود می‌چرخاند و جامعه جز گشتاوری حول برآیند این محور نیست!

اگر جامعه در میان انسان‌ها بر اساس اختیار شکل می‌گیرد و در انسان اختیار است که عنصر اصلی تلقی می‌گردد، حفظ جامعه نیز و ارتقای آن، همه و همه با ملاحظه‌ی اختیار است که سامان می‌یابد.

در میان زنبورها، وقتی دانستیم غریزه علت تشکیل جامعه و عنصر محوری آن است، برای حفظ و ارتقای چنین جامعه‌ای جز همان غریزه لازم نیست و تغییر آن، جامعه را عوض می‌کند، پُر واضح!

در جوامع انسانی نیز وقتی علت پیدایش جامعه را به اختیار باز می‌گردانیم، می‌پذیریم که تغییر این عنصر محوری به تغییر بنیادهای جامعه و ارزش‌های آن می‌انجامد. پس در این جا مسأله به گونه‌ی دیگری است.

اگر رفتارهای بنی‌بشر می‌بینیم تناقض‌آمیز است و درون جامعه ناهنجاری‌هایی که به معنای ناهماهنگی با ارزش‌های عرفی است مشاهده می‌کنیم، رفتارهایی که مطلوبیت ندارد، می‌دانیم «می‌توانیم» با آگاهانیدن اعضای جامعه و تغییر بستر پرورشی انسان‌هایی که در این جامعه دوران تکوّن خود را طی می‌نمایند، همه‌چیز را تغییر دهیم حتی ارزش‌ها را! همه چیز را می‌توانیم تغییر دهیم، نه فقط رفتارهای بشری را که حتی انگاره‌ها و پیش‌فرض‌ها و اصول‌ثابتة (!) و حتی بدیهی‌ها!

با این ملاحظه، وقتی ناهنجاری‌های رفتارهای عرفی اعضای جامعه را می‌بینیم، جامعه‌ی انسان‌هایی که در کشوری به نام «ایران» زندگی می‌کنند، داخل مرزهای سیاسی‌ای که پهنه‌ی این کشور را مشخص ساخته و در نقشه قدرت تمایز آن را از سایر کشورها به ما عطا کرده، به این ضرورت پی‌می‌بریم که سازمانی، مؤسسه‌ای یا گروهی باید باشد که به این مطلب رسیدگی نماید و رفتارها را بهینه‌سازی کند و اخلاق مردم را تغییر دهد.

این مطلب ضرورت دارد و چون گزینه را محور این جامعه نمی‌دانیم، تکامل جامعه را نیز به گزینه تمام شده نمی‌انگاریم و می‌فهمیم، به سادگی، که تکامل این جامعه به نظام اختیارات و بهینه‌ی این نظام باز می‌گردد و اختیار که وارد معادله شد، همیشه متغیّر «آگاهی» نیز داخل می‌شود و تغییر آن با اختیار ارتباطی انفکاک‌ناپذیر دارد و از همین رو است که ما این طرح را می‌نویسیم!

— موضوع این طرح:

آری... دانسته شد آن خلأی که ما را بر نوشتن این طرح مجاب کرد و آن اندیشه‌ای که به ما انگیزه‌ای برای ورود به این وادی اعطا کرد.
موضوع این طرح پر کردن این خلأ است.

بحثی علمی: ما چگونه باید طرح بنویسیم؟

من می‌گویم اول شما توضیح دهید اصلاً چرا باید طرح بنویسیم، تا بگویم چگونه بنویسید. ما طرح می‌نویسیم تا خواننده را در همان درگیری ذهنی خود که به تصمیم بر انجام پروژه‌ای منجر شد شریک و سهیم نماییم، طرح می‌نویسیم که وقتی او خواند همان مسیری را که ما طی کردیم، ذهن ما طی کرد تا به تصمیم رسید، طی نماید و به تصمیم برسد، ذهن او به «همان» تصمیمی برسد که ذهن ما رسید!

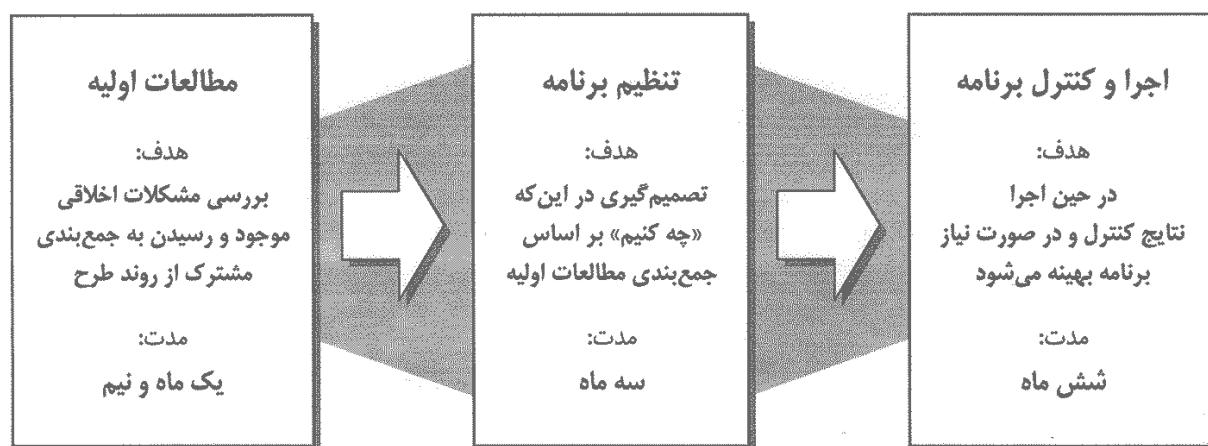
من معتقدم و جمع‌بندی‌ام از نظریات تمام روش تحقیق‌نویس‌هایی که تا به حال کتاب‌ها و مقالاتشان را خوانده‌ام و آنچه به عنوان متدولوژی یا روش‌شناسی دیده‌ام این است که ذهن ما برای جهت‌گیری و رسیدن به تصمیم سه مرحله را طی می‌نماید؛
نخست: خلأیی که با آن مواجه می‌شویم و برخورد با این خلأ انگیزه‌ی تفکر بیشتر به ما می‌دهد. از این «خلأ» تعبیر به «ضرورت» می‌شود.

سوم: فضای پُر یا ملأیی است که ما رسیدن به آن را غایت اندیشه‌ی خویش می‌گیریم و برای رسیدن به آن طرحی را تدوین می‌کنیم. لزوماً این «ملأ» که ما آن را «هدف» می‌نامیم متناظر یا برابر با ضرورت نیست، چه که علی‌الغالب ما به جهت نبود امکانات یا کمبود منابع و یا به جهت مرحله‌ای بودن روش ورود به ضرورت، ناگزیر تنها برای حصّه‌ای از ضرورتی که با آن مواجه شده‌ایم برنامه می‌دهیم و هدف خود را ناگزیر اخصّ از ضرورتی که با آن مواجه شده‌ایم قرار می‌دهیم. اگر مطلب برایتان واضح نشد، دست به گیرنده‌های خود زنید، تا آخر این طرح را که بخوانید درخواهید یافت چه می‌گویم.

و دوم: «موضوع» مورد اشاره‌ی خلأ است که تفکر بر روی آن متمرکز می‌شود و در ذهن نقش می‌بندد و تعاریف آن آشکار می‌گردد و برنامه‌ی طرح در جهت «ضرورت» و برای رسیدن به «هدف» بر روی این موضوع تنظیم می‌شود.

اگر حرکت ذهن در این سه مرحله قابل ترسیم است که هست، نویسندگی طرح نیز این سه مرحله را اگر نیک تبیین نماید، خواننده را در روند تصمیم‌گیری خویش سهیم ساخته و به جهت‌گیری واحد و همانند خود کشانده است!

در بخش ضرورت دانستیم که تناقضات رفتاری افراد جامعه و ناهماهنگی آن با ارزش‌ها که تعبیر به ناهنجاری کردیم، رو به فزونی است و حجم بالایی دارد. از این رو به نوشتن طرحی روی آوردیم که برنامه‌ای را در جهت پُر نمودن این خلأ تنظیم و پیشنهاد نماید. بنابراین موضوع کار ما در این طرح که مطالعه‌ی آن از شما خواسته شده، «اخلاق اجتماعی» است و برنامه‌ی پیشنهادی به این شرح است.



در مرحله‌ی نخست از طرح، یک ماه و نیم زمان نیاز است که اصول کلی و عناصر محوری در اخلاق عمومی مردم ایران شناسایی شود از طریق بررسی آمارهای موجود و جمع‌بندی نتایج آن‌ها. به این شکل مشکلاتی که اهمیت دارند و باید بررسی شود مشخص می‌گردند.

در مرحله‌ی بعد برای حل این مشکلات برنامه‌ریزی صورت می‌گیرد. این برنامه

می‌تواند شامل:

- سفارش طراحی تیزرهای تبلیغاتی
- سفارش طراحی تابلوهای بزرگ شهری (بیل‌بورد)
- سفارش نوشتن مقالاتی با موضوعات مشخص به محققین
- سفارش درج مقالات در روزنامه‌های همشهری و جام‌جم (به جهت امکان ارتباط)
- سفارش برگزاری همایش یا سمینار اخلاق عمومی
- سفارش نگارش کتاب اخلاق و درج در نظام آموزش و پرورش
- و صدها راه‌حل و برنامه‌ی دیگر باشد.

اما آن چه مهم است توجه به این نکته است که اتخاذ راه‌حل و تنظیم برنامه متناسب با هدف طرح صورت می‌گیرد نه متناسب با ضرورت که بسیار گسترده‌تر از هدف ماست.

اما پس از آغاز اجرای طرح که در مرحله‌ی سوم پیش‌بینی شده است، به صورت هم‌زمان، کار کنترل نتایج طرح نیز بایستی انجام شود. یعنی در یک زمان‌بندی مشخص، پس از هر فعالیت، به طور مثال یک هفته بعد از پخش تیزر تبلیغاتی از صداوسیما، این گروه آمارها و اطلاعات را جمع‌آوری می‌نماید، به همان روشی که در مرحله‌ی اول طرح جمع‌آوری نموده بود و ضمن مطالعه میزان تأثیرگذاری تیزر بر جامعه روشن خواهد شد.

اگر نتیجه بیش از حد پیش‌بینی شده دور از هدف بود، سریعاً تصحیحات لازم در برنامه صورت می‌پذیرد.

— تبیین هدف:

گفتم که غالباً هدف یک طرح اخصّ از ضرورتی است که نوشتن طرح را موجب شده است. در این مورد نیز چنین است.

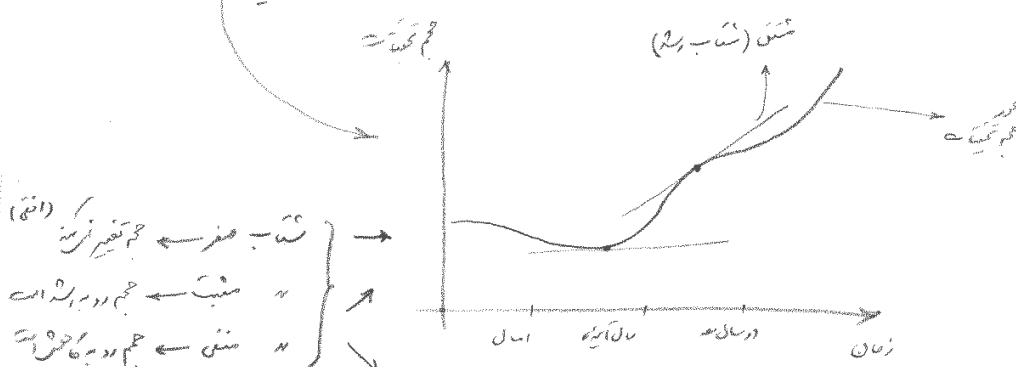
ضرورتی که ما را بر آن داشت تا این طرح را تنظیم نماییم، ناهنجاری‌های اخلاقی موجود در جامعه بود، با تمام زیر و بم‌ها و تعاریفی که دارد و همه‌ی مشکلاتی که همه‌ی ما به نحوی با آن تا به حال دست به گریبان بوده‌ایم.

اما در این طرح ما نمی‌خواهیم این مشکلات را در طی یک سال مرتفع نماییم و به مدینه‌ی فاضله (یا همان جامعه‌ی مدنی روز!) دست یابیم. هدف ما بسیار کوچک‌تر از این آرمان است. چرا که آن، نه به این سادگی دست‌یافتنی است و نه با طرح‌های یک ساله و مخارج این چینی قابل وصول.

هدف ما تنها وارد کردن یک «شوک قوی» به جامعه است. به جامعه‌ی متخصصینی که تا به حال به این وظیفه‌ی مهم خود توجه لازم را بذل نکرده‌اند. توجهات را می‌خواهیم به موضوع «اخلاق اجتماعی» جلب نماییم و نرخ شتاب رشد تحقیقات در زمینه‌ی اخلاق را اگر منفی است به صفر برسانیم و اگر صفر است، مثبت کنیم و اگر مثبت شد مقدار آن را افزایش دهیم (شتاب رشد همان مشتق محور حجم تحقیقات در واحد زمان است).

اگر بتوانیم این «شوک» را وارد نماییم به هدف خود دست‌یافته‌ایم، دست‌یافتنی!

معنای محور عمودی



— هزینه و زمان طرح:

زمان انجام این طرح حدود ده ماه و نیم پیش‌بینی شده است، ولی از این سو تا راه‌افتادن طرح و از سوی دیگر تا تنظیم گزارشات و آرایه‌ی آن‌ها می‌توان به تخمین «یک‌سال» را زمان انجام این طرح در نظر گرفت.

نمودار فعالیت‌های این طرح به این صورت است:

مدت	زمان انجام فعالیت	عنوان فعالیت
۶		۱ بررسی آمارها و ترسیم مشکلات
۱۲		۲ انتخاب راه‌حل و تنظیم برنامه
۲۲		۳ اجرای طرح
۲۲		۴ کنترل طرح و بهینه‌سازی برنامه
۴۲ هفته	جمع	

— هر خانه به منزله‌ی دو هفته می‌باشد.

— مرحله‌ی چهار دو هفته با تأخیر نسبت به مرحله‌ی سه آغاز می‌شود.

— هزینه‌های طرح نیز به صورت زیر محاسبه شده است:

ریال	۵۰,۰۰۰	دریافتی هر کارشناس در جلسات (ساعتی)
ریال	۶۰۰,۰۰۰	دو جلسه در هفته (هر کارشناس)
ریال +	۴,۲۰۰,۰۰۰	هفت کارشناس برای فعالیت اول
ریال	۱۰۰,۰۰۰	تهیه‌ی صورت جلسات و تکثیر به تعداد اعضای جلسه
ریال +	۱,۲۰۰,۰۰۰	صورت جلسات برای فعالیت اول
ریال +	۸,۴۰۰,۰۰۰	هفت کارشناس برای فعالیت دوم

ریال	۵۰,۰۰۰	تهیه‌ی خلاصه جلسات و تکثیر به تعداد اعضای جلسه
ریال +	۱,۲۰۰,۰۰۰	خلاصه جلسات فعالیت دوم
ریال +	۷,۷۰۰,۰۰۰	هفت کارشناس جهت کنترل اجرای پروژه در فعالیت چهارم (یک جلسه در هفته)
ریال +	۱,۱۰۰,۰۰۰	خلاصه جلسات فعالیت چهارم
ریال	۲۳,۸۰۰,۰۰۰	جمع کل هزینه‌های قابل پیش‌بینی

— هزینه‌های مرحله‌ی سوم از طرح به دلیل قابل پیش‌بینی نبودن ارایه نشده‌اند. اما آن چه اجمالاً در این خصوص قابل طرح است، این است که ارتباط مهندس فخری با دو نفر از مرتبطین با صداوسیما و روزنامه‌های جام‌جم و همشهری، هزینه‌ها را بسیار پایین خواهد آورد. ولی همچنان تعداد مقالات، تیزرها و هزینه‌های آن‌ها قابل محاسبه نیست. این‌ها مواردی است که توسط کارشناسان طرح پس از اتمام مرحله‌ی دوم تعیین می‌شود.

— با این وجود، می‌توان مبلغی را به عنوان سقف فعالیت مرحله‌ی سه تعیین کرد که کارشناسان در مرحله‌ی دو مقتّد به این مبلغ حین برنامه‌ریزی باشند.

— پیشنهاد اولیه برای این مبلغ ۱۰۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال می‌باشد.

امید که آن چه انجام پذیرفت مرضی امام عصر عجل‌الله تعالی فرجه الشریف قرار گیرد؛

إن شاء الله